

سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس

علی شکور^۱: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران
حمیدرضا طبیبی: مدرس جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران
محمدصادق باقرزاده: کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، جهرم، ایران
غلامعباس واحدپور: مربی جغرافیا و اقلیم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان، لارستان، ایران

چکیده

مقوله‌ی اسکان جامعه عشایری، مهم‌ترین بحثی است که در مورد این جامعه در کشور مطرح می‌باشد. عشایر ایران در اوایل سده‌ی اخیر، یک بار طعم تلخ اسکان اجباری را که توسط حکومت پهلوی اول بر آنان تحمیل گردید، تجربه نمودند. اما امروزه مقوله‌ی اسکان در قالب جدیدی جدای از اسکان اجباری و بر اساس دیدگاه گروهی از متولیان و برنامه‌ریزان امور عشایر کشور مطرح شده است. در این راستا استان فارس به دلیل پیشینه زندگی عشایری محل اجرای یکی از مهم‌ترین طرح‌های اسکان در کشور بوده است. هدف از این تحقیق بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس می‌باشد. برای بررسی این موضوع کانون‌های اسکان در استان را به عنوان نمونه انتخاب نموده و با نظرسنجی از طریق پرسشنامه، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اسکان خانوارهای عشایری در کانون‌های خودجوش و هدایتی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که: در بین تأثیرات شاخص‌های اجتماعی و اسکان عشایر در استان فارس رابطه معناداری وجود دارد. ولی بین تأثیرات عوامل اقتصادی و اسکان عشایر در استان رابطه معناداری وجود ندارد. بنحوی که بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر در فارس با توجه به وضعیت تأهل جامعه آماری رابطه معنادار وجود ندارد، ولی بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان با توجه به وضعیت تأهل رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین بین عامل‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر در استان با توجه به جنسیت افراد تفاوت معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: عشایر، اسکان عشایر، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، استان فارس.

بیان مسأله:

از نظر تاریخی در طی تحول شیوه‌های زندگی، کوچ‌نشینی از زندگی کشاورزی جدا شده و در امتداد مناطق حاشیه‌ای گسترش یافته است. در چنین شرایطی، بعضی از گروه‌ها برای بهره‌گیری از مناطق خشک هم‌جوار با زمین‌های زیرکشت که قابل استفاده برای کشاورزی نبوده‌اند؛ به گله‌داری پرداختند، این افراد به تدریج بر تعداد دام‌های خود افزودند تا جایی که زندگی کوچ‌نشینی را بر کشاورزی رجحان دادند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۷: ۴۳). بدین ترتیب شرایط اکولوژیکی موجب شد که زندگی کوچ‌نشینی به وجود آمده و تداوم یابد. کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که به دلیل دارا بودن اقلیم نیمه خشک و به تبعیت آن کمبود منابع آبی و داشتن بارندگی‌های فصلی در اغلب نواحی به همراه وجود چراگاه‌های فصلی موجب پیدایش زندگی کوچ‌نشینی در این سرزمین شده است. عشایر ایران که پیش از سده‌ی اخیر، جمعیتی معادل ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴)، هم اکنون در قالب ۲۰۰ هزار خانوار در حدود ۲٪ از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، این تعداد از عشایر که جمعیتی در حدود یک میلیون و دویست هزار نفر هستند، به پرورش ۲۴ تا ۲۶ میلیون واحد دامی مشغول می‌باشند که بیش از یک سوم واحدهای دامی کشور را تشکیل می‌دهد (حیاتی، ۱۳۸۸: ۶۵). در این راستا جامعه عشایر استان فارس شامل ۳ ایل بزرگ قشقایی، خمسه و لر و ۸ طایفه مستقل می‌باشد. همچنین از ۸/۵ میلیون هکتار عرصه‌های قابل تعلیف استان حدود ۵/۷ میلیون هکتار آن (۶۷ درصد) قلمرو زیست عشایر بحساب می‌آید. این جامعه مولد با پرورش و نگهداری بیش از ۳ میلیون راس دام سبک، سالانه بالغ بر ۱۶ هزار تن گوشت قرمز (۲۵ درصد گوشت قرمز تولیدی استان)، ۵۰ هزار تن لبنیات، ۱۵۰۰ تن پشم و مو، ۲۶۰ هزار تن محصولات زارعی و بیش از ۵۷ هزار مترمربع انواع دست بافت‌های نفیس را در مناطق بیلاقی و قشلاقی تولید می‌نماید (استانداری فارس، ۱۳۸۸).

در دهه‌های اخیر در نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور، جامعه‌ی عشایر دستخوش تغییرات اساسی شده است. متلاشی شدن نظام قبیله‌ای و در نتیجه از بین رفتن نظام اجتماعی و سلسله مراتب قدرت در عشایر که زمانی این جامعه را به صورت واحدی مستقل اداره می‌نمود، از بارزترین این تغییرات به شمار می‌رود. به عبارت دیگر عوامل متعدد درونی و بیرونی دست به دست هم داده و این شیوه زندگی را در سایر شیوه‌های زندگی اجتماعی و تولید اقتصادی مضمحل کرده است. آشکارترین نمود این تغییر و تحول، گرایش نسبتاً شدید عشایر به اسکان می‌باشد. که در این حالت کوچندگان ویژگی‌های عمده‌ای از زندگی قبیله‌ای خود را از دست داده و عوامل محدود کننده داخلی و خارجی، بقایای این شیوه‌ی قدیمی زیست و اشتغال را به تغییر و تحول جدی واداشته است (مه‌دوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

فرورپاشی ساختار و نظام‌های ایلی در دهه‌های اخیر؛ تخریب و کاهش روزافزون مراتع در سطح کشور چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت؛ عدم برخورداری کودکان و جوانان عشایر از آموزش و پرورش مناسب به دلیل ماهیت زندگی متحرک؛ فقدان برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی؛ تجاوز جامعه شهرنشین و روستانشین به ایل‌راه‌ها و مسیرهای کوچ سنتی عشایر؛ آسیب‌پذیری شیوه‌ی زندگی کوچ‌نشینی در مقابل حوادث و بلایای طبیعی همچون خشکسالی، سیل و ...؛ مقرون به صرفه نبودن شیوه دامداری به روش سنتی و مبتنی بر کوچ؛ عدم علاقه‌ی جوانان عشایر به ادامه زندگی کوچ‌نشینی از اهم عواملی است که امروزه جامعه عشایر کشور را دو راهی کوچ یا اسکان قرار داده است (شاطری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). متولیان و مسؤولان دولتی امور عشایر کشور جهت رفع کاستی‌های فوق زمینه‌ی اسکان را به جامعه عشایری کشور پیشنهاد نموده‌اند و اقدامات و برنامه‌های گسترده‌ای را در نقاط مختلف کشور در راستای اسکان عشایر به مورد اجرا نهاده‌اند؛ که بزرگ‌ترین آن‌ها طرح اسکان عشایر در استان فارس بوده است. در این میان عوامل متعدد داخلی و خارجی به ویژه وضعیت زندگی عشایر به لحاظ معیشتی و ابعاد متفاوت اجتماعی- فرهنگی حاکم بر زندگی جامعه کوچنده‌ی کشور موجبات اسکان و یکجانشین شدن خودجوش عشایر را فراهم نموده است (شکور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

این مطالعه با هدف شناسایی و بررسی ویژگی‌های جامعه‌ی عشایر اسکان یافته‌ی استان فارس و تحلیل عوامل و ابعاد متفاوت اجتماعی و اقتصادی دخیل بر اسکان عشایر در این محدوده‌ی جغرافیایی انجام گرفته است. به عبارت دیگر پژوهش

حاضر با رویکردی تحلیلی و با استفاده از شیوه پیمایش به بررسی و سنجش عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اسکان و یکجانشینی عشایر در استان فارس می‌پردازد. در این راستا فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی و مدت اسکان عشایر در استان فارس رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و مدت اسکان عشایر در استان فارس رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد.

ادبیات نظری:

والرشتاین در طرح جامعه‌شناسی تاریخی خود سه نوع جامعه را از هم تمیز می‌دهد:

الف) نظام‌های کوچک مبتنی بر سیستم‌های بده و بستان؛

ب) امپراطوری جهانی مبتنی بر توزیع مجدد؛

ج) بالاخره اقتصاد جهانی سرمایه‌داری.

در این تیپولوژی، منظور از جامعه عشایری را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های کوچک استوار بر بده بستان تلقی کرد. این سیستم مبتنی بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست است؛ «یعنی اینکه در آن حد تقسیم کار اجتماعی، ساخت‌های حکومت، ارزش‌ها، هنجارها و زبان کم و بیش یکسانند» (والرشتاین، ۱۹۸۵ به نقل از غفوری، ۱۳۸۹). در این نظام، پایه تکنولوژیک رابطه‌ی انسان با محیط ضعیف است، و لذا کسب مازاد دشوار می‌نماید؛ تقسیم کار اقتصادی محدود است، و اقتصاد با قواعد بده-بستان اداره می‌شود. در چنین ساختاری جامعه از مجموعه‌های کوچک و از خانواده‌هایی تشکیل می‌یابد که هر کدام برای رفع نیازهای خود تولید می‌کنند و به صورت نسبتاً ضعیف و از طریق شبکه خویشاوندی، در نظامی بزرگتر به هم پیوسته‌اند. همچنین هر خانواده، به شکل خودکامه توسط فرد یا افراد مسن اداره می‌شود و کل سیستم به وسیله شورای ریش سفیدان یا توسط یک خان رهبری می‌شود (چلبی و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۷).

باید توجه داشت که شیوه زندگی انسان عموماً با بر هم خوردن تعادل بین نیازهای وی و دست آوردهایش متغیر و متحول می‌شود. هنگامی که عوامل گذشته قادر به برآورد نیازمندی‌های جدید نمی‌شوند؛ بنابراین انسان می‌بایست عوامل کهنه را به طریقی با نیازمندی‌های جدید و نو هماهنگ سازد. جامعه‌ی عشایر در کشورهای جهان سوم در راستای رفع نیازمندی‌های خود و برابر با شرایط زمان و مکان مجبور به تحول در شیوه معیشتی خود و بالطبع اسکان و یکجانشینی گردید. در این میان دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی در ارتباط با اسکان کوچندگان وجود دارد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دیدگاه اجتماعی: از دیدگاه اجتماعی، ساماندهی عشایر با توجه به وضعیت معیشت و زیست فعلی آن‌ها دارای آثار مثبتی خواهد بود. در واقع از دیدگاه اجتماعی، اسکان این افراد موجب می‌شود که در ساختارهای مختلف فرهنگی-اجتماعی در یکدیگر ادغام شوند و با قانون‌گرایی و پذیرش الگوها، از تک روی‌های قومی و قبیله‌ای و نژادی جلوگیری خواهد شد. از سوی دیگر هزینه‌های اجتماعی در ابعاد مختلفی همچون درمان، آموزش، بهسازی و ... کاهش می‌یابد و نظارت و کنترل بر این جامعه، بیشتر خواهد شد. با فراهم شدن زمینه‌های ساماندهی اسکان عشایر امکان خدمات‌رسانی بیشتر و فاصله فقر در جامعه کمتر می‌شود و برنامه‌ریزان نیز بیشتر از پیش می‌توانند به تنظیم امور بپردازند (عطاریانی، ۱۳۸۰: ۵۵).

دیدگاه‌های ناظر بر توسعه و نوسازی: در دیدگاه نوسازی، توسعه در چشم‌اندازی پیش رونده نگریده می‌شود و وضعیت توسعه‌نیافتگی برحسب تفاوت‌های قابل مشاهده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین ملت‌های فقیر و غنی تعریف می‌شود (عبدالهی، ۱۳۸۶). این دیدگاه بیش از هر دیدگاه دیگری بر اسکان عشایر کشور تأثیر گذاشته و همواره از زمان پهلوی اول تا کنون با شدت و ضعف‌هایی بدان توجه شده است. از این‌رو، تأکید بر اسکان عشایر برای دستیابی به زندگی توسعه یافته‌تر و خروج از انزوار بوده است.

دیدگاه‌های شهرنشینی و مهاجرت: در این دیدگاه‌ها یکجانشینی و شهرنشینی، الگوی جدید زندگی اجتماعی انسان‌هاست. عده زیادی از صاحب نظران بر این باورند که سکونت در شهرهای بزرگ به خودی خود زندگی روانی و اجتماعی فرد را دگرگون می‌سازد. به عبارت دیگر شهرنشینی از شاخص‌های کلیدی نوگرایی محسوب می‌شود (ازکیا، ۱۳۷۸: ۳۶). بدین‌منوال در جامعه عشایری ایران، دیدگاه سیستمی از منظر مهاجر فرستی از زمان پهلوی دوم تاکنون در رابطه با اسکان خودجوش عشایر در شهرها و دیگر سکونتگاه‌های کشور قابل توجه و بررسی است.

دیدگاه‌های مبتنی بر حفظ محیط زیست: از دید راهبرد زیست محیطی، بشر جزئی از زیست بوم است و باید به زیست بوم به صورت یک کل نگریند که در آن، بین محیط و موجودات زنده پیوند متقابل وجود دارد. باید اقدامات انسان‌ها در عرصه محیط کنترل شود. بر این اساس، سیاست بیشتر کشورهای جهان سوم برای جلوگیری از نابودی محیط زیست بر تصویب قانون‌های محدود کننده و ایجاد محدودیت‌هایی برای کاهش دسترسی افراد بر منابع محیطی مبتنی بوده است (ضیاء توانا و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۸). با توجه به پیوند مستقیم جامعه عشایری با طبیعت، دیدگاه زیست محیطی توجه زیادی بدان دارد. بر اساس این دیدگاه، چرای دام‌های مازاد بر مراتع، از یک سو و نابودسازی بسیاری از درختان و بوته‌ها برای سوخت، از سوی دیگر، باعث نابودی محیط زیست شده است و از این‌رو باید عشایر اسکان یابند. در حقیقت، این دیدگاه با جامعه عشایری به صورت محدود کننده رفتار می‌کند (توکلی و همکاران: ۱۳۸۸: ۵۵).

دیدگاه فرهنگی - سیاسی:

از دیدگاه فرهنگی و سیاسی اسکان عشایر، اختلافات قومی و درگیری‌های قبیله‌ای را کمتر می‌کند و این توهم که طایفه-ای تحریک شود و امنیت را به مخاطره اندازد، به حد پایینی تنزل پیدا خواهد کرد. اسکان عشایر و همجواری آنان با سلیقه‌های جدید باعث می‌شود تا باورهای منفی نسبت به اقوام و قبایل به نتایج مطلوب فرهنگی تبدیل شود. امکان تشکیل شوراهای محلی و انتظام بخشیدن به نظام ریش سفیدی و بزرگان قوم برای حل معضلات اجتماعی و کاهش بار دستگاه قضایی از دیگر آثار فرهنگی - سیاسی اسکان خواهد بود (عطاربانی، ۱۳۸۰: ۱۴).

در دیدگاه هابرماس می‌توان جامعه عشایری را به عنوان یک جامعه ابتدایی یا سنتی پیشامدرن با غلبه نظام ایلی، نابرابری اقتصادی، سلسله مراتب ساختار قدرت، پدرسالاری، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی، بی‌سوادگی و ناآگاهی و ضعف نهادهای مدنی دانست. در چنین جامعه‌ای رشد نهادهای مدنی از جمله شورای اسکان، شورای اجتماعی، تعاونی‌های تولید لازم برای شکل‌گیری حوزه عمومی و کنش‌های ارتباطی جمعی در راستای ارزش‌ها و اهداف مورد پذیرش جمع، پیش نیاز توسعه و بهبود زندگی مردم در راستای بسط آزادی، عدالت و تأمین حقوق انسانی در همه ابعاد اجتماعی است (Hobermas, 1979).

بنابر دیدگاه بوردیو می‌توان گفت: که اسکان و توسعه عشایر موقوف به تغییر الگوی کنش آنان است که امروز در ابعاد اجتماعی یا عینی (از شکل افتادگی ساختارهای سنتی) و ذهنی (گرایش شدید به اسکان) زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری کنش‌های جمعی مرتبط با اسکان و توسعه پدید آمده است و با هدایت، حمایت و نظارت دولت می‌تواند به بهبود زندگی آنان منجر شود (بوردیو، ۱۹۹۶). گرایش عشایر به اسکان و توسعه برای رهایی از سختی‌های کوچ و نگرش مثبت و امید به آینده برای اسکان و برخورداری از امکانات زندگی مدرن و گرایش مثبت آنان به آزادی و عدالت و کنش‌های عقلانی مؤید دیدگاه گیدنز هستند (Geidenz, 1998).

از دیدگاه «بخشنده نصرت» به دلیل عدم توافق‌های اجتماعی در استقرار یک کانون ویژه عشایر، به هیچ وجه ایجاد کانون توسعه بزرگ یا حتی متوسط هم توصیه نمی‌شود. چون اکثر این اقشار، حاضر به سکونت در یک کانون توسعه مشترک نیستند و از این جهت نمی‌توان آن‌ها را به اجبار در یک جا و دور هم جمع کرده و یا در استفاده از تأسیسات خدماتی و عام‌المنفعه، آن‌ها را در یک مکان شریک کرد. حتی دوری و نزدیکی آنان به مناطق شهری و یا خدماتی نیز باید مدنظر باشد، چون گاهی دوری از مناطق شهری و یا روستایی بزرگ نیز، مانع از استقرار و یا ماندگاری این دسته از کوچندگان در کانون‌های نوپا خواهد شد. مگر این‌که امکان ایجاد اشتغال و برخورداری از خدمات اولیه به آن‌ها عرضه شود. نکته‌ی دیگر این‌که ایجاد اشتغال در اینگونه کانون‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است و باید قبل از اسکان شرایط برخورداری از زمین کشاورزی و استفاده از

استعدادهای طبیعی و فن آوری و بالاخره خودکفایی تولیدی، مورد توجه قرار گیرد. برای اسکان عشایر نیز در این کانون ها باید بتدریج اقدام نمود که جلو هرگونه مشکلی، هنگام وقوع آن گرفته شود. البته مناطق کوچندگی ایران و شرایط اجتماعی عشایر کوچنده طوری است که نمی‌توان برای تمام آن‌ها به یک صورت اتخاذ تصمیم کرد و یا به یک صورت برنامه‌ریزی نمود، بلکه برای هر یک از طوایف و تیره‌های کوچنده با توجه به شرایط اجتماعی- فرهنگی و میزان جمعیت و ... باید طوری ساماندهی کرد که افزون بر توسعه دامداری و زراعت حتی‌الامکان به ترمیم و اصلاح مراتع نیز توجه شود (بخشنده نصرت، ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۵۶).

تاریخچه اسکان عشایر در ایران:

پیشینه‌ی اسکان عشایر در کشور ما به اوایل سده‌ی ۱۳۰۰ هجری شمسی بر می‌گردد. به لحاظ تاریخ سیاسی، از حمله‌ی مغول تا پایان حکومت قاجاریه، حکومت مرکزی را یکی از ایلات تشکیل می‌داده است (غفاری، ۱۳۶۸). حکومت‌های پیش از سلسله پهلوی به دلیل ماهیت عشایری خود، درگیریشان با دیگر طوایف بیشتر بر سر کسب قدرت بوده است. ولی سیاست رضاشاه در واقع تغییر فرهنگ و سبک زندگی عشایر به منظور کنترل کامل آنان بوده است. در آن زمان سه چیز مهم‌ترین پایه‌های اجتماعی عشایر را در ابعاد اقتصادی، امنیتی و فرهنگی تشکیل می‌داد و آن سه عبارت بودند از: ۱- کوچ ۲- اسلحه ۳- سنت ها و باورهای فرهنگی و ایلیاتی. سیاست‌های رضاشاه بر ضد این سه مبنای زندگی عشایر طراحی گردید. یعنی ۱- تخته قاپو (اسکان) ۲- خلع سلاح عشایر ۳- از میان برداشتن سنت‌ها و تغییر در فرهنگ و روش زندگی آنان (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۲).

به تقریب از سال ۱۳۰۸ ه.ش اکثریت قریب به اتفاق عشایر و کوچ‌نشینان کشور وادار به اسکان شدند. این سیاست در اجرا بدون برنامه‌ریزی مدون و در واقع به صورت قهری، صورت گرفت. به گونه‌ای که سیاه چادرهای عشایر از سوی مأموران دولتی به آتش کشیده شد و زندگی بسیاری از خانوارهای عشایر به خطر افتاد. کوچ‌نشینان به مدت ۱۲ سال در وضعیت تخته قاپو (اسکان) اجباری و زندگی پرمشقت خود قرار داشتند؛ تا سال ۱۳۲۰ که رضاشاه از حکومت برکنار شد و عشایر با تخریب و ویران نمودن تمام آثار اسکان، دوباره کوچ‌روی را آغاز و زندگی مورد علاقه‌ی خود را شروع نمودند (لمبتون، ۱۳۴۵). از تاریخ مذکور تا دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی یعنی حدود ۴۰ سال هیچ گونه طرح مدونی در کشور به منظور اسکان عشایر وجود نداشت و اگر هم اسکانی صورت گرفت به صورت انفرادی و اختیاری و بدون برنامه‌ریزی نهادی بوده است، تا زمانی که طرح اسکان در استان فارس مطرح شد. به طور کلی، نتیجه برنامه‌های مختلف برای اسکان عشایر در دوره‌های مختلف به ویژه بعد از انقلاب اسلامی اسکان ۵۲۶۱ خانوار در برنامه اول، اسکان ۲۱۹۳۹ خانوار در برنامه دوم، اسکان ۲۱۳۵۸ خانوار در برنامه سوم، و اسکان ۲۶۹۷ خانوار در سال اول برنامه چهارم بوده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴).

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد که به صورت میدانی و تهیه پرسشنامه انجام شده است. جامعه مورد نظر این پژوهش شامل تمامی خانوارهای عشایر اسکان یافته‌ی استان فارس در سال‌های ۹۰ - ۱۳۷۰ است؛ که طبق آمار به دست آمده کل عشایر اسکان یافته در طی ۲۰ سال اخیر ۵۸۹۹ خانوار (۴۲۰۰ خانوار هدایتی و ۱۶۹۹ خودجوش) می‌باشد. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران برابر با ۱۸۹ خانوار از عشایر اسکان یافته فارس را تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری انجام شده از عشایر اسکان یافته به صورت موردی و به روش تصادفی ساده بوده است. ابزار سنجش پرسشنامه محقق ساخته شده می‌باشد. این پرسشنامه حاوی ۴۳ سؤال، ۲۰ سؤال مربوط به عامل اقتصادی و ۲۰ سؤال مربوط به عامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر می‌باشد و سه سؤال مربوط به اطلاعات دموگرافیکی سرپرست خانوار می‌باشد. همچنین به منظور سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. در جدول شماره ۱ به همبستگی درون گویه‌های مربوط به متغیرهایی که به صورت طیف لیکرت آمده، اشاره شده است.

جدول ۱- ضریب پایایی آلفای کرونباخ مقیاس اسکان عشایر

نام متغییر	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل اقتصادی	۰/۷۱
عوامل اجتماعی	۰/۷۰

پس از پر شدن پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و کدگذاری پرسشنامه اطلاعات آماری استخراج گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. همچنین در تجزیه و تحلیل آماری از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در شیوه آمار توصیفی فراوانی‌ها و درصد فراوانی‌ها ارائه گردیده است و در شیوه آمار استنباطی از آزمون تی گروه‌های مستقل، واریانس یکطرفه برای اثبات فرضیات تحقیق استفاده شده است.

شناخت منطقه مورد مطالعه :

استان فارس ناحیه پهناور کوهستانی است که ارتفاعات آن دنباله رشته کوه عظیم زاگرس می‌باشد. مجموعه کوه‌های زاگرس فارس با دره‌های عمیق و دشت‌های نسبتاً سرسبز در قسمت فارس بر روی مدار ۲۷ تا ۳۰ درجه عرض شمالی به پهن-ترین ناحیه زاگرس شهرت دارد. ارتفاع زاگرس فارس از شمال شرق به جنوب غرب کاهش می‌یابد؛ که این امر در تنوع آب و هوا و دگرگونی شرایط اقلیمی نقش بسزایی دارد. ارتفاعات شمال فارس با بیش از ۳۳۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا در تبدیل آب و هوا بسیار مؤثر است. (شکل شماره ۱). سرزمین پست جنوب فارس تا دشتستان و بوشهر و کنگان نیز با ارتفاع کمتر از ۴۰۰ متر در پیدایش زمستانی معتدل و مطلوب نقش کلیدی دارد (سازمان برنامه و بودجه فارس، ۱۳۷۰). این استان با مساحت بیش از ۱۳۳۰۰۰ کیلومتر مربع و برخورداری از سه نوع آب و هوای محسوس سرد، گرم و معتدل و ده‌ها ویژگی منطقه‌ای منحصر به فرد مانند بهره‌مندی از مراتع ییلاقی کمهره و کاکان و آبشار مارگون، خسرو شیرین، دشت نمدان و بکان پوشش گیاهی سواحل رودخانه کر، قره قاج، داراب مراتع غنی شرق و جنوب کارزون و آب و هوای مساعد شهرستان ییلاقی اقلید و بخش شمال غرب استان زمینه پرورش دام و بهره‌گیری از امکانات بالقوه طبیعت را داراست. جامعه عشایر استان شامل ۳ ایل بزرگ قشقایی، خمسه و لر و ۸ طایفه مستقل می‌باشد. این جامعه تنها ۳/۵ درصد از جمعیت استان را بخود اختصاص داده است (جوادی، ۱۳۸۹: ۴۷). (جدول شماره ۲).

جدول ۲- تعداد عشایر استان فارس بر اساس تیره و طایفه، ۱۳۸۸

تعداد ایل	تعداد طایفه	تعداد تیره	تعداد خانوار کوچنده	جمعیت کل
۵	۲۵	۳۸۱	۳۰۲۹۹	۱۹۳۳۷۱

منبع: سالنامه آماری استان فارس، ۱۳۸۹.



شکل ۱- نقشه پراکندگی طوایف مختلف عشایر در استان فارس

یافته‌های توصیفی تحقیق:

جنسیت: با توجه به اطلاعات به دست آمده می‌توان بیان نمود که از ۱۸۹ نفر خانوار عشایر مورد مطالعه ۷۶ نفر معادل ۴۰/۲٪ آزمودنی‌ها زن و ۱۱۳ نفر معادل ۵۹/۸٪ آزمودنی‌ها مرد سرپرست خانوار بوده‌اند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- آمار توصیفی پرسش‌شوندگان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۷۶	۴۰/۲٪
مرد	۱۱۳	۵۹/۸٪
جمع	۱۸۹	۱۰۰٪

منبع: یافته‌های نگارنده گان، ۱۳۹۰.

وضعیت تأهل: با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴ می‌توان بیان نمود که از ۱۸۹ نفر سرپرست خانوار مورد مطالعه ۴۰ نفر معادل ۲۱/۲٪ مجرد؛ ۱۱۷ نفر معادل ۶۱/۹٪ متأهل؛ ۱۴ نفر معادل ۷/۴٪ مطلقه و ۱۸ نفر معادل ۹/۵٪ بیوه بوده‌اند.

جدول ۴- آماره توصیفی وضعیت تأهل پرسش‌شوندگان

شرح	فراوانی	درصد
مجرد	۴۰	۲۱/۲٪
متأهل	۱۱۷	۶۱/۹٪
مطلقه	۱۴	۷/۴٪
بیوه	۱۸	۹/۵٪
جمع	۱۸۹	۱۰۰٪

منبع: یافته‌های نگارنده گان، ۱۳۹۰.

مدت اسکان: بر اساس یافته‌های میدانی پژوهش مشخص شد که اکثریت بیش از ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان مورد مطالعه بیش از ۸ سال می‌باشد که در استان فارس اسکان یافته‌اند. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- آماره‌های توصیفی داده‌های مربوط به مدت اسکان عشایر در فارس

مدت اسکان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
زیر ۴ سال	۶۲	۲۸/۹۶	۹/۳۵
۴ - ۸ سال	۷۴	۲۴/۳۷	۸/۰۴
۸ سال به بالا	۵۱	۲۲/۹۸	۶/۱۷
جمع	۱۸۷	۲۵/۵۱	۸/۴

منبع: یافته‌های نگارنده گان، ۱۳۹۰.

یافته‌های تحلیلی و استنباطی تحقیق:

فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد بین تأثیرات اجتماعی و اسکان عشایر استان فارس رابطه وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از روش آماری واریانس یک‌راهه استفاده نموده‌ایم که با اطمینان ۹۵ درصد در سطح معناداری ۰/۰۵ مشخص شد که با ($f = ۸/۹۲$ ، $p = ۰/۰۰$) بین تأثیرات عوامل اجتماعی و اسکان عشایر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- واریانس یکراهه برای تأثیرات اجتماعی و اسکان عشایر استان فارس

شرح	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	واریانس	سطح معناداری
بین گروهی	۱۱۶۲/۳۶	۲	۵۸۱/۱۸	۸/۹۲	۰/۰۰
درون گروهی	۱۱۹۷۶/۳۲	۱۸۴	۶۵/۰۸		
جمع	۱۳۱۳۸/۶۸	۱۸۶			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

فرضیه شماره ۲: به نظر می‌رسد بین تأثیرات اقتصادی و اسکان عشایر استان فارس رابطه وجود دارد. طبق جدول واریانس یکراهه مشخص شد که با اطمینان ۹۵ درصد در سطح معناداری ۰/۰۵ بین تأثیرات اقتصادی و اسکان عشایر استان فارس رابطه معناداری وجود ندارد. برای آزمودن این فرضیه از روش آماری واریانس یکراهه استفاده نموده- ایم که نتایج به دست آمده نشان داده است که ($f = ۰/۳۶$ ، $p > ۰/۰۵$) بین تأثیرات عوامل اقتصادی و اسکان عشایر رابطه معناداری وجود ندارد. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- واریانس یکراهه برای تأثیرات اقتصادی و اسکان عشایر استان فارس

شرح	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	واریانس	سطح معناداری
بین گروهی	۷۵/۷	۲	۳۷/۸۵	۰/۳۶	N.S
درون گروهی	۱۹۰۸۵/۷	۱۸۴	۱۰۳/۷۲		
جمع	۱۹۱۶۱/۴۱	۱۸۹			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

فرضیه شماره ۳: به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل افراد رابطه وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه از روش آماری واریانس یکراهه با اطمینان ۹۵ درصد در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده نموده‌ایم که نتایج به دست آمده نشان داده است که ($f = ۱/۶۳$ ، $p > ۰/۰۵$) و بین تأثیرات اجتماعی اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود ندارد. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- واریانس یکراهه برای تأثیرات اجتماعی اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل

شرح	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	واریانس	سطح معناداری
بین گروهی	۳۳۹/۶۵	۳	۱۱۳/۲۱	۱/۶۳	N.S
درون گروهی	۱۲۸۰۵/۴۳	۱۸۵	۶۹/۲۱		
جمع	۱۳۱۴۵/۰۹	۱۸۸			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

فرضیه شماره ۴: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه از روش آماری واریانس یکراهه استفاده نموده‌ایم که با اطمینان ۹۵ درصد در سطح معناداری ۰/۰۵ نتایج به دست آمده نشان داده است که ($f = ۲/۸۸$ ، $p < ۰/۰۳$) بین تأثیرات اقتصادی اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود دارد. (جدول شماره ۹).

جدول ۹- واریانس یکراهه برای تأثیرات اقتصادی اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل

شرح	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	واریانس	سطح معناداری
بین گروهی	۸۵۸	۳	۲۸۶	۲/۸۸	۰/۰۳
درون گروهی	۱۸۳۲۸/۴۲	۱۸۵	۹۹/۰۷		
جمع	۱۹۱۸۶/۴۲	۱۸۸			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

فرضیه شماره ۵: به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد.

با استناد به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۰، ۱۱۳ نفر از سرپرست خانوارها مذکر و ۷۶ نفر دیگر مؤنث بوده‌اند و میانگین و انحراف معیار مذکر به ترتیب ۲۴/۳۰، ۸/۸۷ و مؤنث به ترتیب ۲۷/۳۵، ۷/۲ می‌باشد که با توجه به t به دست آمده ۲/۴۹ و درجه آزادی ۱۸۷ بین عوامل های اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد و این تفاوت در زنان بیشتر دیده می‌شود. برای آزمودن این فرضیه از روش آماری تی گروه‌های مستقل استفاده نموده‌ایم که نتایج به دست آمده ($t = ۲/۴۹$ ، $p = ۰/۰۱$) نشان داده است که بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت سرپرست خانوار تفاوت معناداری وجود دارد که این تفاوت در زنان بیشتر دیده شده است.

جدول ۱۰- جدول تی گروه‌های مستقل برای تعیین تفاوت عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان با توجه به جنسیت

شرح	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	سطح معناداری
عوامل اجتماعی	مؤنث	۷۶	۲۷/۳۵	۷/۲	۱۸۷	۲/۴۹	۰/۰۱
	مذکر	۱۱۳	۲۴/۳۰	۸/۸۷			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

فرضیه شماره ۶: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد.

با استناد به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۱، ۱۱۳ نفر از سرپرست خانوارها مذکر و ۷۶ نفر دیگر مؤنث بوده‌اند و میانگین و انحراف معیار مذکر به ترتیب ۴۷/۳۱، ۱۰/۲۵ و مؤنث به ترتیب ۵۱/۸۴، ۹/۲۹ می‌باشد که با توجه به t به دست آمده ۳/۰۸ و درجه آزادی ۱۸۷ بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت وجود دارد و این تفاوت در زنان بیشتر دیده می‌شود. برای آزمودن این فرضیه از روش آماری تی گروه‌های مستقل استفاده نموده‌ایم که نتایج به دست آمده ($t = ۳/۰۸$ ، $p = ۰/۰۰$) نشان داده است که بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت سرپرست خانوار تفاوت معناداری وجود دارد که این تفاوت در زنان بیشتر دیده شده است.

جدول ۱۱ - جدول تی گروه‌های مستقل برای تعیین تفاوت عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان با توجه به جنسیت

شرح	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	سطح معناداری
عوامل اقتصادی	مؤنث	۷۶	۵۱/۸۴	۹/۲۹	۱۸۷	۳/۰۸	۰/۰۰
	مذکر	۱۱۳	۴۷/۳۱	۱۰/۲۵			

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارنده گان، ۱۳۹۰.

نتیجه‌گیری:

استان فارس به دلیل پیشینه زندگی عشایری محل اجرای یکی از مهم‌ترین طرح‌های اسکان عشایر در کشور بوده است. هدف این مطالعه بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر در این استان بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در بین تأثیرات اجتماعی و اسکان عشایر استان فارس رابطه معناداری وجود دارد. ولی بین تأثیرات اقتصادی و اسکان عشایر استان فارس رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین عوامل اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه معنادار وجود ندارد ولی بین عوامل اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به وضعیت تأهل رابطه وجود دارد. بین عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر اسکان عشایر استان فارس با توجه به جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. در نهایت برای برنامه‌ریزی در کوچ یا اسکان جامعه عشایری باید شیوه‌های تولید را متحول کنیم که همگام با این تحول ساخت اجتماعی مناسب با آن را هم باید در برنامه‌ریزی مشخص کنیم، یا این که فرهنگ این جامعه را متحول کنیم که با تحول فرهنگ، ساخت اجتماعی مناسب ایجاد و بر اساس روابط اجتماعی جدید شیوه‌های تولیدی نوین به وجود خواهد آمد، چون هر فرهنگ شیوه تولید خاص خود را می‌طلبد. بنابراین با این دو دیدگاه می‌توان اقدام عملی به برنامه‌ریزی برای اقتصاد و اجتماع عشایر نمود. از این رو پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- استفاده بهینه از منابع آب و خاک در مناطق عشایری به منظور استقرار و ساماندهی اسکان عشایر؛
- ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی و رفاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خدمات زیربنایی تا رسیدن به سطح متوسط در نواحی عشایری استان؛
- حمایت و هدایت عشایر متمایل به اسکان با حفظ توانمندی‌های تولیدی آنها؛
- الزام دستگاه‌های اجرایی ذیربط برای انجام وظایف قانونی خود در زمینه حمایت از اسکان عشایر؛
- تجهیز کانون‌های اسکان توسط دستگاه‌های اجرایی وظیفه مند استان؛
- توسعه فعالیت‌های مطالعاتی آموزشی و ترویجی مؤثر در امر ساماندهی به اسکان عشایر؛
- تبدیل وضعیت عشایر اسکان یافته به روستایی با کمک وزارت کشور و دستگاه‌های ذیربط؛
- متنوع کردن فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی عشایر با حمایت از طرح‌های تولیدی و ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و دامی و زراعی.

منابع:

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸): ارزشیابی اجتماعی- فرهنگی اسکان عشایر دشت بابکان استان فارس، جلد دوم، انتشارات سازمان امور عشایر ایران، تهران.
۲. امان‌الهی بهاروند، سکندر (بهار ۱۳۸۳): «زوال کوچ نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر»، مجله مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱۷، تهران، صص ۱۸۷-۱۵۵.
۳. امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۷): کوچ‌نشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.
۴. بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۳): مبانی کوچ و کوچندگی در ایران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تهران، چاپ اول، تهران.
۵. استانداری فارس (۱۳۸۸): «برنامه ریزی راهبردی عشایر استان فارس»، طرح پژوهشی، شیراز.
۶. تقوی، سیدمصطفی (۱۳۷۶): «سیاست عشایری رضاشاه با تأکید بر تحولات سیاسی منطقه کهگیلویه و بویر احمد»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۴، تهران.
۷. توکلی، جعفر و محمدحسن ضیاءتوانا (بهار ۱۳۸۸): «پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری»، فصلنامه روستا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، تهران، صص ۸۶-۵۳.
۸. جوادی، محمد (۱۳۸۹): وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی عشایر فارس و قلمرو جغرافیایی آن، اداره آموزش و پرورش عشایر استان فارس، شیراز.

۹. چلبی، مسعود و محمد عبداللهی (۱۳۸۳): «اسکان عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی توسعه»، مجله برنامه و توسعه موسسه عالی در برنامه‌ریزی و توسعه، شماره ۱ و ۲، تهران، صص ۷۵-۵۱.
۱۰. حیاتی، داریوش (بهار ۱۳۸۵): «تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه دشت بکان فارس»، مجله مطالعات اجتماعی ایران سال ۱، شماره ۱، تهران، صص ۹۹-۶۷.
۱۱. رحیمی، احمد (۱۳۸۰): «مدیریت اسکان عشایر در کانون‌های توسعه سکونتگاه‌های نوین‌پسند عشایری»، نشریه دهاتی، شماره ۵۴، تهران، صص ۲۴-۱۳.
۱۲. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (۱۳۷۰): بررسی خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوارهای عشایری اسکان یافته استان فارس، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایری، به کوشش سازمان امور عشایر ایران، انتشارات عشایری، شیراز.
۱۳. سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴): گزارش عملکرد سازمان امور عشایر ایران در برنامه سوم، دفتر طرح و برنامه، تهران.
۱۴. شاطری، مفید و محمد حجتی‌پور (۱۳۹۰): «اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی: شهرک نازدشت)»، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۲، گرمسار، صص ۲۷-۱۴.
۱۵. شکور، علی و محمدرضا رضایی (۱۳۸۹): «بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجد گرایش به تغییر شیوه معیشت»، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۲، گرمسار، صص ۱۳۵-۱۲۳.
۱۶. ضیاء توانا، محمد حسن و جعفر توکلی (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): «اسکان یا ادامه کوچروی؟ رویکرد توسعه پایدار به آینده عشایر»، فصلنامه جغرافیا، سال دوم، شماره ۳، تهران، صص ۸۹-۶۷.
۱۷. عطاریانی، محمدباقر (۱۳۸۰): اسکان عشایر و دیدگاه‌های مختلف، نشریه خراسان، شماره ۲۳، مشهد.
۱۸. عبداللهی، محمد (۱۳۸۶): «اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی طایفه علی نظر در استان ایلام)»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، تهران، صص ۵۳-۱۹.
۱۹. لمتون، ا-س (۱۳۴۵): مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امینی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۰. مهدوی، مسعود و پژمان رضایی (۱۳۸۸): «سنجدش نگرش عشایر اسکان یافته نسبت به اسکان در استان چهارمحال بختیاری»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳، تهران، صص ۱۳۷-۱۶۲.
21. Baurdieu, P. (1996): "The State Nobility". Cambridge: polity press
22. Giddens A. (1998): "The Third Way, Constitution London," profile press.
23. Habermas, J. (1979): "Communiation and The Evolution of Society" Boston, Beacon press.
24. Hirano, A (2003): "mapping sedentarization of the Rendille pastoralists in Marsabit" Northern Kenya Using remotely sensed image data.